



حیدری، آرمان. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نحوه عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان (مورد مطالعه جوانان شهر یاسوج)، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۲ (۱)، ۷۷-۱۰۶.

بررسی تأثیر نحوه عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان (مورد مطالعه جوانان شهر یاسوج)

آرمان حیدری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

چکیده

اعتماد اجتماعی از الزامات زندگی اجتماعی در دوران مدرن محسوب می‌شود. یکی از مهمترین انواع اعتماد، اعتماد نهادی است. اعتماد نهادی، بیانگر اعتماد مردم به نهادها و سازمانهایی است که وظیفه تدوین، اجرا و نظارت بر قانون، اطلاع رسانی و تأمین نیازهای اساسی مردم را بر عهده دارند. در این مقاله تأثیر کیفیت عملکرد خود این نهادها بر اعتماد نهادی جوانان شهر یاسوج مورد بررسی قرار گرفته است. روش بررسی، پیمایشی و ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. بر اساس نتایج تحقیق، متغیر عملکرد مناسب دادگاه‌ها بالاترین همبستگی مثبت و مستقیم را با میزان اعتماد به نهادهای سیاسی و غیر سیاسی داشته است. همبستگی متغیرهای میزان عدم پابندی به قوانین، احساس افزایش جرایم اجتماعی، رواج پارتی بازی و رسانه‌های خارجی با هر دو نوع اعتماد، منفی و معنی دار بوده است. بر اساس نتایج رگرسیون، متغیرهای پیش گفته توانسته اند ۴۲ درصد از واریانس اعتماد به نهادهای سیاسی، و متغیرهای عملکرد مناسب دادگاه‌ها و میزان عدم پابندی به قوانین توانسته اند ۲۱ درصد از اعتماد به نهادهای غیرسیاسی را تبیین کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رعایت قواعد و قوانین داخلی توسط مسئولین و مردم، به ویژه، عملکرد مناسب دادگاه‌ها بیشترین تأثیر را بر میزان اعتماد نهادی پاسخگویان دارد.

واژه‌های کلیدی: اعتماد نهادی؛ عملکرد دادگاه‌ها؛ رسانه‌ها؛ پابندی به قوانین؛ جوانان یاسوج

^۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج alheidari2011@yu.ac.ir

مقدمه

زتومکا^۱ از دو نوع تحول پارادایمیک^۲ هستی شناختی و معرفت شناختی در جامعه شناسی سخن می گوید که جهت گیری این رشته را به شدت تحت تأثیر قرار داده اند: در سطح هستی شناختی نوعی چرخش از انگاره های به اصطلاح "سخت"^۳، اندامواره ای، کل گرایانه یا نظام مند از جامعه به سمت انگاره های به اصطلاح "نرم"^۴، مربوط به بافت اجتماعی و کنش ها و تعامل های انسانی دیده می شود. در سطح معرفت شناختی، چرخش مشابهی از تبیین های ساختاری مبتنی بر متغیرهای به اصطلاح "سخت" نظیر موقعیت، طبقه، منزلت، وضعیت اقتصادی، روندهای جمعیتی، الگوهای اسکان، تحولات فن شناختی به سوی تبیین های فرهنگی مبتنی بر عوامل ناپیدای به اصطلاح "نرم" چون معانی، نمادها، قواعد، ارزش ها، و هنجارها اتفاق افتاده است. از جمله مهمترین متغیرهای "نرم" و فرهنگی ای که به شدت مورد توجه اندیشمندان رشته های مختلف، به ویژه، جامعه شناسان قرار گرفته است، متغیر "اعتماد" است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۰). افزایش اهمیت اعتماد ناشی از ویژگی ها و شرایط جدید زندگی انسانها بوده است. شرایطی مانند شکل های افراطی تقسیم کار نهادی و تخصصی شدن نقش ها، وابستگی های متقابل فزاینده افراد و نقش ها به یکدیگر، فراگیر شدن تهدیدهای زندگی اجتماعی ناشی از فعالیت انسانها، تنوع راه های ممکن کنش و انتخاب های زندگی، پیچیدگی نهادها، سازمان ها و نظام های فن شناختی و افزایش حوزه عملیاتی شان، و رشد فزاینده گمنامی و ناشناختگی کسانی که بهزیستی زندگی ما وابسته به کنش ها و اعمال آنهاست همه و همه عواملی اند که موجب اهمیت و توجه روزافزون به اعتماد شده اند (زتومکا، ۱۳۸۶: ۳۰).

گیدنز^۵ (۱۳۷۸)، لومان^۶ (۱۹۷۹)، الکساندر^۷ (۱۹۹۲)، سلیگمن^۸ (۱۳۸۷) و اندیشمندان بسیار دیگری، به طور مبسوطی، به بحث اعتماد و اهمیت آن در جوامع مدرن امروزی در مقایسه با

1. Sztompka

2. Paradigmatic

3. Hard

4. Soft

5. Giddens

6. Luhmann

7. Alexander

8. Sligmann

جامعه سنتی پرداخته‌اند. در جامعه سنتی و ایلی انسجام و تعهد حول محور خویشاوندی سازمان می‌یافت، تعامل افراد بیشتر با آشنایان و بستگان بود و در پرتو نفوذ دین، راهبری سنت و آیین‌های گذشتگان مسیرهای کنش مشخص و از پیش تعیین شده بودند. همچنین، تقسیم کار به صورت پیشرفته نبود و وابستگی ما به تخصص و مهارت دیگران در حد ابتدایی بود. در این جامعه بحث اعتماد مطرح نبود، زیرا کنش‌های دیگران در سطوح بسیار بالایی از قابلیت پیش‌بینی و در نتیجه سطوح بالایی از اطمینان برخوردار بود. اما همه این منابع تأمین‌کننده اعتماد، در جهان مدرن، جایشان را به فرایندهایی داده‌اند که مختص جوامع مدرن هستند و موجب شده‌اند اعتماد به عنوان عنصر ذاتی زندگی اجتماعی در کانون توجه افراد عادی و اندیشمندان جامعه‌شناسی قرار بگیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۲ - ۱۲۰).

گسسته شدن پیوندهای سرزمینی و ابتدایی محلی بود که با ورود اروپا به عصر مدرن همراه شد و همین نابودی قیود محلی و غالباً ابتدایی پیوستگی با خویشان و آشنایان و عادات سرزمینی و محلی بود که برقراری معیارهای جدید اعتماد عمومی را در اروپای غربی لازم ساخت و ایده قول^۱، را به ایده ای چنین محوری برای نظریه سیاسی اوایل دوره مدرن و احیای نظریه مدرن قانون طبیعی از طریق کسانی چون پوفندرف، گروسیوس و بعدها اندیشه‌های لاک، دیوید هیوم، و امانوئل کانت تبدیل نمود. قول چه چیزی غیر از ابزار ایجاد اعتماد بین کسانی است که پیوندهای قرابت و خویشاوندی یا حتی اعتقاد مشترک بین آنها وجود ندارد؟ قول عملی زبانی است که به وسیله آن فرد با به جان خریدن تعهدات جدید وضعیت اخلاقی را دگرگون می‌کند (سلیگمن، ۱۳۸۷: ۱۱). در جامعه ما، نیز، ورود مدرنیته به مثابه ی ورود یک نیرو و پدیده ی "بیرونی" موجب از بین رفتن تعادل و انسجام دیرین زندگی اجتماعی سنتی شد. تعادلی که حداقل، موجب انسجام و یکپارچگی جامعه ایران می‌شد. توصیف و تبیین این بی‌تعادلی و عدم انسجام، نیروهای موحد آن و چگونگی مقابله با یا تعدیل آن مهمترین مبحث و مسأله مورد توجه اندیشمندان ایرانی در دوران اخیر بوده است (علینقی، ۱۳۷۸؛ میلانی، ۱۳۸۳؛ فکوهی، ۱۳۸۰؛ آشوری، ۱۳۷۷؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۹؛ پیمان، ۱۳۸۴؛ آل احمد، ۳۸۵؛ اتابکی، ۱۳۸۷). ورود تجدد در ایران با مسائل زیادی همراه بوده است. گسترش بی‌اندازه شهرنشینی، مهاجرت بی‌رویه، افزایش نابرابری اجتماعی، فساد، پارتی‌بازی، عدم

^۱. Promise

قانون گرایی، اقتدار گرایی، اعتیاد، حاشیه نشینی و بی اعتمادی گسترده بین دولت و مردم از جمله پیامدهای نامطلوب این پدیده در جامعه ما بوده است. در زمینه اعتماد، اکثر تحقیقات انجام شده داخلی بیانگر میزان اعتماد کم یا بی اعتمادی تعمیم یافته و نهادی در جامعه ما بوده اند (چلبی، ۱۳۸۱؛ عباس زاده و دیگران، ۱۳۹۰؛ ۱۳۸۳؛ شارع پور، ۱۳۸۰؛ هزار جریبی و حامد، ۱۳۹۱). در صورتی که اعتماد از جمله ارتزاق های همگانی^۱ غیرمادی زندگی جمعی محسوب می شود که موجب آرامش و آسایش افراد و محافظت از ارتزاق های جمعی مادی (مانند هوا یا آب) می شوند (باتسن^۲، ۱۹۹۸: ۱۵-۱۴). اجتماع متجانس شهروندان متعهد و وفادار به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی به یکدیگر و نیز بدون اعتماد عمودی به نهادهای عمومی امکان پذیر نیست (الکساندر^۳، ۱۹۹۲: ۲۹۳).

اعتماد پدیده ای چندوجهی، چند سطحی، نسبی، وابسته به زمینه زندگی اجتماعی و گذشته تاریخی هر جامعه یا اجتماع خاص و دارای انواع متعدد است. تعاریف متعددی از آن وجود دارد و به صورت های گوناگونی مفهوم پردازی و سنجیده شده است. همه ویژگی های فوق پیچیدگی های ارزیابی و شناسایی وضعیت اعتماد را برای اندیشمندان علوم اجتماعی سخت تر می کند. اما اکثر نظریات مربوطه باورها، فرهنگ، میزان جرایم و امنیت عمومی و نوع تعاملات بین مردم با یکدیگر و با دستگاههای سیاسی و حاکم را به عنوان عوامل اصلی مرتبط با میزان اعتماد در هر جامعه ای عنوان کرده اند. یکی از مهمترین ابعاد و انواع اعتماد، اعتماد نهادی است که به چگونگی عملکرد مجریان نهادهای رسمی و سازمانی و نحوه برخورد آنها با مردم مربوط می شود. به ویژه در کشورهای در حال توسعه که نهادها و سازمانها نتوانسته اند به خوبی نیازهای مردم در محیطهای اجتماعی - سیاسی جدید را برآورده کنند. پدیده ای که تحت عنوان "شکستهای نوسازی" در جهان سوم از آن یاد شده است (آیزنشتات، ۱۳۷۷: ۱۹۰)^۴. البته باید توجه داشت عملکرد این

^۱. Commons

^۲. Bateson

^۳. Alexander

^۴ - به زعم آیزنشتات کشورهای جهان سوم علیرغم توسعه شاخصهای ساختاری و اجتماعی - جمعیتی گوناگون نوسازی، موفق به ایجاد ساختار نهادی پایدار نشدند که بتواند مشکلات ناشی از تغییرات اجتماعی - جمعیتی و ساختاری کشورهايشان را حل کنند. (برای بحث تفصیلی تر به اصل مقاله نگاه شود).

نهادهای در همه جا، و در طول دوره‌های تاریخی یکسان نیست. بر اساس تحقیقات انجام شده استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر میزان سرمایه اجتماعی، در بین استان‌های کشور، رتبه ماقبل آخر را دارد (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۸۸). بعلاوه، شهر یاسوج شهری است که "عشایری بودن، ارتباطات عاطفی و روابط اجتماعی دست نخورده مردم و وابستگی به سنت اصیل و مذهب" موجب آداب و مقررات فرهنگی - اجتماعی خاصی در آن شده است (گرگی زاده، ۱۳۸۶)؛ ویژگی‌هایی که همه با هم می‌توانند کیفیت عملکرد نهادهای تخصصی و در نتیجه میزان اعتماد نهادی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهند. این شهر از نظر شاخص‌های توسعه یافتگی، در جایگاه نوزدهم مراکز استان‌های کشور قرار دارد (امیر احمدیان، ۱۳۷۸: ۱۲۱). همچنین اگر استان‌های کشور را بر اساس جمعیت، میزان توسعه یافتگی و همچنین جرم خیزی شان به سه دسته تقسیم کنیم، استان کهگیلویه و بویر احمد جزء استان درجه ۳ محسوب می‌شود (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲: ۱۷۵). مهمتر از همه می‌توان گفت شهر یاسوج، "شهری تأسیسی" است و به "دلایل سیاسی و امنیتی" ساخته شده است و سابقه تأسیس آن تقریباً به نیم قرن می‌رسد (مجیدی کرائی، ۱۳۸۱: ۱۷۵-۱۷۷). از این رو بررسی تأثیر عملکرد نهادهای رسمی موجود در این شهر (به عنوان شهری تازه تأسیس و برخوردار از ساختار قومی و طایفه‌ای) و یا تصور شهروندان از عملکرد آنان بر اعتماد نهادی پاسخگویان می‌تواند مهم باشد. سوال اساسی این است عملکرد نهادهای رسمی چه تأثیری بر میزان اعتماد جوانان ساکن شهر یاسوج به آنان دارد؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی پیرامون اعتماد اجتماعی در ایران صورت گرفته است، اما بر اساس جایگاه متغیر اعتماد به عنوان متغیر مستقل یا وابسته، نوع اعتماد مورد توجه (اعتماد خاص، تعمیم یافته یا نهادی)، روش بررسی اعتماد (یمایشی، تحلیل مفهومی، فرهنگی یا تاریخی) با هم متفاوتند. تنها واقعیت واحدی که همه این تحقیقات، فارغ از همه تفاوت‌های بالا، به آن اشاره کرده‌اند، اذعان همه آنها به پایین بودن سطح اعتماد در جامعه ایران است. بنابراین یکی از مهمترین مشکلات مربوط به بررسی پیشینه تحقیقات مربوط به اعتماد، ابهام در تعریف، سنجش و اندازه‌گیری آن در تحقیقات مختلف است. چیزی که تا حد زیادی امکان ارزیابی و مقایسه تحقیقات مختلف را مشکل کرده

است. با این وجود چند تحقیق در مورد نگرش سنجی در جامعه ایران انجام گرفته است که تا حد زیادی از گویه های یکسانی استفاده کرده اند. گویه هایی که می توانند بیانگر ارزیابی نوع عملکرد مسئولین (به عنوان متغیر مستقل مقاله حاضر) و اعتماد نهادی (به عنوان متغیر وابسته) باشند. بر اساس تحقیق سعادت (۱۳۸۶)، استان کهگلویه و بویر احمد از نظر پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی در بین استان های کشور، بعد از سیستان و بلوچستان، رتبه دوم را دارد^۱. رفیع پور، در سال ۱۳۷۱، علاقه و نگرش مردم تهران را در خصوص موارد مختلفی همزمان در سه زمان مختلف ۱۳۶۵، ۱۳۷۱ و قبل از انقلاب (۱۳۵۶) ارزیابی کرده است. بر اساس این تحقیق علاقه مردم به روحانیت در سال ۶۵ بسیار زیاد (۸۶/۷ درصد)، در سال ۷۱ کم (۳۲/۳ درصد) و برای سال ۵۶ به میزان (۳۱/۸ درصد) بوده است. همچنین، ۸۱/۶ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۶۵ برای مردم دین و خدا مهمتر از پول بودند، در حالیکه این رقم برای سال ۷۱ به ۲۸/۳ درصد می رسد و برای سال ۵۶ کمتر از ۱۸/۶ درصد بوده است. در مورد این سوال که آیا در سال ۱۳۶۵ بیشتر رشوه وجود داشته است یا حالا (۱۳۷۱)، پاسخگویان عموماً رشوه گیری را در سال ۶۵ کم و در سال ۷۱ خیلی زیاد ارزیابی می کردند. ۸۴ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۶۵ رشوه گیری در ایران از نظر عامه یک "عیب" محسوب می شد. اما برای سال ۷۱ فقط ۴۰/۷ درصد از مردم این طور فکر می کردند. در پاسخ به سوال دیگری در خصوص احقاق حق، ۶۳/۲ درصد از پاسخگویان احقاق حق در سال ۶۵ را زیاد می دانستند. اما برای سال ۱۳۷۱ این تعداد به ۳۳/۶ کاهش می یابد و این معیاری است برای [تضعیف] اعتبار دستگاه دادخواهی جامعه (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۲۸۸ و ۳۰۰). در این خصوص [عدم تمکین از قانون] نراقی (۱۳۸۶) می گوید "در ادبیات رسمی کشور، در مجاری اداری کشور، وقتی صحبت از رشوه و ارتشاء می کنند می نویسند "حق و حساب"، یعنی ضمیر ناخودآگاه اجتماعی مان پذیرفته که این هم "حق" است و هم "حساب" و هم مقدار و اندازه دارد.

در تحقیق دیگری که محسنی (۱۳۷۴) در شهر تهران در مورد نگرش ها و ارزش های مردم انجام داد، ۶۵/۸ درصد از پاسخگویان موافق این گویه بودند که "بگوییم بدون پارتی نمی توان کار

^۱ - شاخص های مورد استفاده در این مقاله برای ارزیابی سرمایه اجتماعی استان ها، اعتماد، سطح آگاهی عمومی، صداقت، مشارکت جمعی، مشارکت در انتخابات و میزان ارتکاب جرم بوده اند.

کرد". درصد این افراد به همراه افراد تا حدی موافق، به ۸۲ درصد می‌رسید. به نظر وی این آمار نشان‌دهنده حداقل وجود این تفکر در جامعه است. در پاسخ به این سؤال که "تا چه حد موافقید اگر بگوییم که از هر قانونی نباید اطاعت کرد"، ۷۳/۱ درصد از افراد موافق و تاحدی موافق بودند. به نظر محسنیان، این نشان می‌دهد "زمینه قانون ستیزی در جامعه قدرتمند است" (محسنی، ۱۳۷۹). بر اساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹)، در پاسخ به این سؤال که "مسئله پارتی بازی تا چه اندازه در جامعه جدی و مهم است؟"، ۸۲/۲ درصد از پاسخگویان ساکن شهر یاسوج، آن را به میزان زیاد تا کاملاً جدی و مهم می‌دانستند؛ ۴۹/۴ درصد ظلم و تبعیض را جدی دانسته‌اند، ۷۲/۳ درصد دزدی و کلاهبرداری را. در پاسخ این سؤال که "هر کس پول و پارتی نداشته باشد، حقیقت پایمال می‌شود"، ۷۶/۸ درصد از پاسخگویان یاسوج موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. در پاسخ این سؤال که "اگر حقی از کسی ضایع شود از طریق قانونی می‌تواند به حق خود برسد"، ۶۱/۸ درصد از پاسخگویان این شهر موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. اما با این وجود درصد افراد موافق و کاملاً موافق متعلق به شهر یاسوج که فکر می‌کردند "می‌توانند از طریق قانونی به حق خود برسند"، یا "قانون در مورد مسئولین و مردم به یکسان اجرا می‌شود"، بالاتر از درصدهای کلی پاسخگویان کشور در دو گزینه مذکور بوده است. بر اساس نتایج همین تحقیق (که البته به صورت استانی تفکیک نشده است)، پاسخگویان بیشترین اعتماد را به ترتیب به معلمان، اساتید دانشگاه و پزشکان؛ و کمترین اعتماد را به ترتیب به، بنگاه‌دارها، تجار و بازاریان و رانندگان تاکسی داشته‌اند.

تحقیق دیگری رفیع پور در سال ۱۳۷۳ در مورد پتانسیل آنومی در شهر تهران انجام داد، یافته‌های مهمی پیرامون وضعیت پایبندی به قانون و اعتماد نهادی به دست آمده است. میانگین پاسخ به این سؤال که "اگر کار آدم در شهرداری گیر کند، با پول کار آدم راه می‌افتد"، بیانگر آن بود که اکثر پاسخگویان بر این اعتقاد بودند که در شهرداری موانع قانونی با دادن پول برداشته می‌شود. بر اساس این تحقیق اعتماد به قانون کم به نظر می‌رسد. همچنین این احساس در بین مردم وجود دارد که قانون در مورد همه مردم به یکسان اجرا نمی‌شود. ثروتمندان در مقابل قانون در شرایط بهتری قرار دارند و قانون نسبت به آنها انعطاف‌پذیرتر است. همچنین میانگین گویه‌های مربوط به "پارتی بازی" نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، پدیده فساد در حدی حتی بیش از

زیاد " است. محقق می گوید اعتماد به مسئولین نسبت به سالهای قبل از انقلاب کاهش یافته و به سال ۱۳۵۶ رسیده است. یعنی ۶۵/۶ درصد از پاسخگویان به میزان کم و خیلی کمی به مسئولین اعتماد داشتند (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۱۶). در تحقیق دیگری که فتحی و دیگران (۱۳۸۹) در مورد " بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر اعتماد نهادی" در شهر خلخال انجام داده اند، بیشترین اعتماد مردم به ترتیب، به بیمارستان ها، نیروی انتظامی و آموزش و پرورش؛ و کمترین اعتماد به شورای شهر، شهرداری و راهنمایی و رانندگی بوده است. همچنین دبیران و اساتید دانشگاه از بالاترین اعتماد، و رانندگان تاکسی و بازاریان از کمترین میزان اعتماد برخوردار بوده اند. سردارنیا و دیگران (۱۳۸۸) در مورد "تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی" در شهرهای مشهد و سبزوار انجام داده اند. در این تحقیق اعتماد نهادی، بر اساس آزمون تحلیل عامل، به سه دسته اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به نهادهای مرتبط با زندگی روزمره و اعتماد به نهادهای کنترلی تقسیم شده است. بر اساس نتایج تحقیق، متغیرهای امنیت، تبعیض و فساد بیشترین تأثیر را بر اعتماد به نهادهای مرتبط با زندگی روزمره، متغیرهای فساد، امنیت و جنسیت بیشترین تأثیر را بر متغیرهای اعتماد به نهادهای کنترلی و متغیرهای فساد، امنیت و عضویت در بسیج بیشترین تأثیر را بر اعتماد سیاسی پاسخگویان داشته اند. در مجموع تحقیقات دیگری رابطه تجربه تبعیض و فساد مسئولین و امنیت با اعتماد نهادی (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۲۱۲-۲۱۰)؛ عملکرد دولت، قانون گرای، دینداری، احساس امنیت با اعتماد (کتابی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۵)؛ رابطه عدالت اجتماعی، عملکرد نهادها، عملکرد رسانه ها با اعتماد نهادی (رجبلو، ۱۳۸۵) را نشان داده اند. بر اساس تحقیق زتومکا (۱۳۸۶) در لهستان، نقش هایی چون پزشک، وکیل، تاجر موفق، استاد دانشگاه و سرباز با تجربه در رأس سلسله مراتب اعتماد قرار دارند، در حالیکه سیاستمداران پایین ترین موقعیت را در سلسله مراتب اعتماد دارند. به زعم وی در لهستان به موجب تاریخ طولانی سلطه و ستم نیروهای خارجی، ارتش و کلیسای کاتولیک به عنوان مظاهر و حافظان مبارزه ملی و حفظ هویت دیده شده اند و همیشه در رأس نهادهای مورد اعتماد قرار داشته اند. اما بعد از تغییرات انقلابی ۱۹۸۹ نهادهای دموکراتیک چون دادگاه قانون اساسی و حق تفحص موقعیت های بالایی در سلسله مراتب اعتماد به دولت به دست آورده اند و شاهد نوعی سقوط نسبی کلیسای کاتولیک هستیم. فوکویاما (۱۳۸۵) که از منظری دیگر و از طریق شاخص های سلبی مانند انحرافات، طلاق،

فساد، تبعیض و ... به بررسی سرمایه اجتماعی می پردازد، روند افزایش پدیده های زوال خانواده هسته ای، طلاق، فرزندان نامشروع، جرم و جنایت، زشتکاری با کودکان، مصرف الکل و مواد مخدر را به صورت سری های زمانی در جامعه آمریکا و بسیاری از کشورهای صنعتی دیگر بررسی کرده است. وی ازدیاد همه این مسائل را با عنوان "فروپاشی بزرگ" یاد می کند که زمینه تضعیف بیش از حد سرمایه اجتماعی در جامعه آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی را فراهم کرده اند. بر اساس تحقیق کلینی و سالامان^۱، بین عملکرد سازمانی در خصوص رعایت قواعد و اعتماد به سازمانها رابطه وجود دارد (کلانی و سالامان، ۲۰۰۸: ۷۴).

بر اساس نتایج تحقیقات پیشین می توان گفت تضعیف یا تقویت اعتماد نهادی، وابسته به شرایط زمان و مکان (نسبی بودن)، عملکرد مناسب و بدون تبعیض نهادهای رسمی و شرایط اجتماعی حاکم بر زندگی شهروندان است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر عملکرد نهادهای حاکم بر جامعه است (مانند احساس امنیت، کلاهبرداری، افزایش جرایم و ...). همچنین، تعریف سرمایه اجتماعی و شاخص های اندازه گیری آن می تواند به دو شکل سلبی (مثل نبود جرم و جنایت و نبود تبعیض) و ایجابی (مثل پایبندی به قانون و افزایش اعتماد) صورت گیرد. همچنین به نقش مهم رسانه ها در ایجاد اعتماد یا بی اعتمادی نهادی (تجربه غیرمستقیم) توجه نشده است.

چارچوب نظری

ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم های اعتماد به نظام های انتزاعی به ویژه نظام های تخصصی است. در شرایط مدرنیت، آینده همیشه باز است، نه تنها به اقتضای احتمال عادی امور بلکه بر وفق بازانديشي دانش که در ارتباط با آن، عملکردهای اجتماعی سازمان داده می شوند. این خصلت ضد واقعی و آینده نگرانه مدرنیت بیشتر از طریق اعتماد به نظامهای انتزاعی شکل می گیرد، نظامهایی که ماهیتاً با قابلیت اعتماد به مهارت تخصصی تثبیت شده کار می کنند. اهمیت این اعتماد نهادی با تخصصی شدن نظام های تخصصی و غیر ممکن بودن دوری گزیدن از نظام های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن دو چندان گردیده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۰۰). به

^۱. Celani & Salaman

نظر زیمل^۱، بدون اعتماد کلی که مردم نسبت به یکدیگر دارند، جامعه می بایستی از هم می پاشید. او اعتماد را به عنوان یکی از مهمترین عناصر تصنعی^۲ در درون جامعه در نظر می گیرد، که در سطح بین شخصی و به ویژه سطح نهادی اهمیت دارد. او اعتماد را واسطه نسبتاً خاص مبادله اجتماعی می داند (۱۹۵۰: ۳۴۸). در بین اندیشمندان معاصر، کسانی مانند گیدنز، لومان، پوتنام^۳، فوکویاما، جیمز کلمن، زتومکا، تونکیس و سلیگمن به نظریه پردازی پیرامون مفهوم اعتماد اجتماعی پرداخته اند. در اینجا نظریه چند نفر از آنها به اختصار ذکر می گردد.

به نظر تونکیس^۴ جوامع سنتی که حول قیودات خویشاوندی سازمان یافته بودند جوامعی برخوردار از سطوح بسیار بالایی از قابلیت پیش بینی و در نتیجه سطوح بالایی از اطمینان مبتنی بر ترکیبی از آشنایی و مجازات ها بودند. بنابراین، این گفته که جوامع سنتی، جوامعی برخوردار از سطوح بالای اعتماد هستند، نوعی سوء تعبیر است. مدرنیته دقیقاً مخالف وضعیت فوق است. مدرنیته یعنی زندگی کردن بین غریبه ها، زندگی بین کسانی که نمی شناسید و آنها نیز شما را نمی شناسند، زندگی بین کسانی که اگرچه ناشناسند ضرورتاً خطرناک نیستند. افراد در چنین جوامعی قادر به کسب آشنایی و شناخت نسبت به یکدیگر نیستند؛ اما در تعاملات فراوان با دیگران بر اساس چیزی شبیه اعتماد وارد می شوند. در فقدان اعتماد، قاعدتاً ابهام و پیش بینی ناپذیری و تعیین ناپذیری امور غیر غیرقابل تحمل می شود. بنابراین، یکی از مسائل زندگی مدرن، دشواری فزاینده ایجاد بنیان های آشنایی و شناخت و اطمینان به نقش اجتماعی و اجرای نقش از سوی دیگران است (۱۳۸۷: ۹۵-۹۳).

لومان^۵ (۱۹۷۹) نیز به بحث و بررسی رابطه اعتماد و مخاطره پرداخته است. به نظر او، در جهان پر از مخاطره، اعتماد عنصر اساسی زندگی است. اعتماد یکی از چهار رسانه ارتباطی تعمیم یافته جهان مدرن است که پیچیدگی جهان اجتماعی را تقلیل می دهد. اعتماد در نظم اجتماعی مدرن متفاوت از اعتماد در جوامع سنتی کوچک و بیانگر حرکت از کیهان شناسی^۶ (خدا) به تکنولوژی

1. Simmel

2. Synthetic

3. Putnam

4. Tonkiss

5. Luhman

6. Cosmology

(انسان) است. اعتماد بازاندیشانه است زیرا آن با شرایط خاصی پیوند می‌یابد که در آن افراد آگاهانه دربارهٔ مسیرهای کنش جایگزین تأمل می‌کنند. سه امکان برای تقلیل پیچیدگی وجود دارد: اول، ما می‌توانیم از در نظر گرفتن تأثرات^۱ تهدید کنندهٔ اعتماد امتناع کنیم (در مواقعی که ابژهٔ اعتماد الزامی است). دوم، ما می‌توانیم در وضعیت‌هایی که ما امکان‌هایی^۲ در اختیار داریم روابط اعتمادی را متمایز و مشخص کنیم. سوم، ما می‌توانیم یاد بگیریم که به چه چیزی یا چه کسی اعتماد کنیم، این شامل اشخاص و نظام‌های اجتماعی هر دو می‌شود. تصمیم به اعتماد کردن به دیگری، بر "انگیزی" مبتنی است که به رفتار دیگری اسناد داده می‌شود.

فوکویاما^۳ برای ارزیابی سرمایه اجتماعی به نموده‌های مثبت یا منفی آن اشاره دارد. زیرا معتقد است سرمایه اجتماعی را نمی‌توان به صورت مستقیم اندازه گرفت. بلکه در پرتوی افزایش طلاق، جرم و جنایت، دزدی، و سایر آسیب‌های اجتماعی میزان سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. به عبارتی "سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند نفر می‌شود. هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌تواند از هنجار روابط متقابل دو دوست تا آموزه‌های پیچیده را در برگیرد". با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و ... که به سرمایه اجتماعی مربوطند، محصول جانبی این پدیده اند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید، ولی خود سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهد. ازاینرو "سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه بعضی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند و اساساً شامل سجایای صداقت، ادای تعهدات، نبود جرم و جرایم و ارتباطات دوجانبه هستند" (۱۳۸۵: ۴۰-۴۵).

زومکا بین اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی تفاوت بنیادی نمی‌بیند. او آنها را به عنوان "دوایر متحدالمرکزی از اعتماد" یا به تعبیر فوکویاما "شعاع‌های اعتماد" می‌داند که به تدریج از عینی‌ترین روابط بین شخصی به سمت روابط انتزاعی‌تر که معطوف به موضوعات اجتماعی هستند، بسط پیدا می‌کند. به نظر زومکا، تعیین برخی نقش‌ها به عنوان نقش‌های قابل اعتماد و یا غیر قابل اعتماد در میان جوامع مختلف و در دوره‌های تاریخی مختلف ممکن است متفاوت باشد.

¹. Impressions

². Options

³. Fukuyama

برخی از وقایع اجتماعی می توانند موجب بی اعتمادی به بعضی نقش ها شوند. برای مثال، اگر فساد و رشوه خواری گسترده ای وجود داشته باشد، مقامات عمومی، افسران پلیس، سیاستمداران ممکن است درون طبقه غیر معتمد اولیه قرار بگیرند. جوهر اعتماد، به تمایز بین انتظارات حاصل شده بواسطه عمل اعتماد و تفویض و انتظاراتی که پیش از عمل اعتماد و تفویض وجود دارند، مربوط می شود. انواع رفتارهای مورد انتظار را می توان در رده های مختلفی جای داد. اولین طبقه از انتظارات به برخی ویژگی های *ابزاری* که از کنش های دیگران انتظار داریم محدود می شوند. ویژگی هایی مانند انضباط، مستدل بودن، کارایی به این سطح مربوط هستند. مانند انتظار کارایی و صلاحیت داشتن از برگزیدگان سیاسی. دومین دسته انتظارات این است که از دیگران انتظار داشته باشیم بر اساس برخی ویژگی های *اخلاقی* عمل کنند: ویژگی هایی مانند مسئول بودن از نظر اخلاقی، مهربان و دل رحم بودن، راستگو و موثق بودن، عادل و منصف بودن در این دسته جای دارند. در بالاترین سطح، رفتار *اعتباری*^۱ قرار دارد که به عنوان وظایف در موقعیت هایی معین که منافع دیگران مقدم بر منافع خودمان قرار دارند، شناخته می شوند. ویژگی هایی مانند بی علاقگی به منافع خود در مقایسه با منافع دیگران، کنشهای وکالتی و خیر خواهی و سخاوت در این دسته جای می گیرند. البته این انتظارات همگی محدود به نقش ها و نهادهای خاصی هستند که باید متناسب با قواعد *هنجاری* راهنمای رفتاری افراد و نهادها باشند. بعلاوه، قابلیت اعتماد می تواند تحت تأثیر سه فاکتور شهرت، عملکرد و ظاهر افراد و نهادها نیز قرار بگیرد (زتومکا، ۱۳۸۶: ۷۹-۱۲۷).

مولرینگ^۲ (۲۰۱۱) سه نوع ایده آل تاپ اعتمادی را از هم متمایز می کند. نوع اول *اعتماد عقلانی*^۳ است که به عنوان یک انتخاب عاقلانه بر قابلیت اعتماد بودن متصور از معتمد مبتنی است. در انتخاب عقلانی بحث "بازی اعتماد مطرح" است. بر اساس این تئوری اعتماد در حالتی به وجود می آید که احتمال قابل اعتماد بودن B از احتمال سوء استفاده کردن او از اعتماد قوی تر باشد. در کل اعتماد عقلانی فایده گرا است، بدین معنی که اعتماد توسط پاداش ها برانگیخته می شود. دومین نوع ایده آل، *اعتماد نهادی*^۴ است. اعتماد نهادی بر فرایندی تأکید دارد که به موجب آن

^۱. Fiduciary

^۲. Mollering

^۳. Rational Trust

^۴. Institutional Trust

کنشگران به طور اجتماعی بازی اعتماد را ساخته و حفظ می‌کنند. در این بینش، اعتماد مجموعه ای از انتظارات مطرح شده از سوی کنشگران درگیر یک مبادله است. این انتظارات هر دوی "قواعد اجتماعی گسترده" و "فرایندهای فعال مشروع" را شامل می‌شود. تحقق و حفظ انتظارات متقابل از سوی طرفین درگیر به اعتماد می‌انجامد. همچنین بر اهمیت مقیدکنندگی و توانایی بخشی قواعد (رسمی و نانوشته)، نقش‌ها و رهواره‌ها^۱ تأکید می‌شود؛ زیرا آنها کنشگران را ملزم و درعین حال توانا می‌کنند تا دارای انتظاراتی باشند و به زندگی اجتماعی شان معنا دهند. به هر حال درجه بالای نهادینه شدن موجب پایین آمدن میزان مخاطره متصور می‌شود. سوم، اعتماد فعال^۲ است که مستلزم یک شکل آزمایشی و بازاندیشانه تر از اعتماد است و بیانگر مجادلات اعتمادی است که ویژگی خاص روابط اجتماعی کم دوام و به سرعت متغیر مدرنیته متأخر است.

گیدنز^۳ (۱۳۷۸) از دیگر نظریه پردازانی است که به تفصیل به بحث اعتماد پرداخته است. از امتیازات گیدنز تمایزی است که وی بین پایه‌های اعتماد در جوامع سنتی و مدرن از یک طرف و، بین اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی، از طرف دیگر، قایل می‌شود. در جوامع سنتی چهار زمینه محلی اعتماد به ترتیب عبارتند از: نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت. چهار بنیادی که در دوران مدرن تحت تأثیر سه نیروی بزرگ و پویای مدرنیته جدایی زمان و مکان، مکانیسم‌های از جاکندگی و بازاندیشی نهادی نیروهای تأثیر گذارشان را از دست داده‌اند. البته در این جا ما متناسب با هدف مقاله فقط به اعتماد نهادی و عوامل تأثیر گذار بر آن اشاره می‌کنیم. گیدنز ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی می‌داند. هر چند اعتماد به اصول انتزاعی فراتر از عملکرد اجرایی افراد است (مانند اعتقاد به دانش)، اما این آدم‌های دارای گوشت و پوست اند که نظام انتزاعی را به گردش در می‌آورند. بنابراین، طرز سلوک نمایندگان و مجریان نظام به سختی می‌توانند اعتماد افراد به این نهادها را تحت تأثیر قرار دهد (وقار جدی قضات، حرفه‌ای گری متین پزشکان و ...). از اینرو اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های انتزاعی خاص، در معرض تأثیر شدید از تجارب ما در نقاط دسترسی و همچنین دانش‌های روزی قرار دارند که از طریق رسانه‌های جمعی و منابع دیگر در دسترس آدم‌های عادی

1. Routines

2. Active Trust

3. Giddens

و نیز متخصصان فنی قرار می گیرند. علاوه بر روابط میان افراد عادی و متخصصان، مکانیسم های اعتماد به فعالیت های کسانی نیز وابسته اند که "درون" نظامهای انتزاعی جای دارند. ضوابط اخلاق حرفه ای در برخی موارد با مصوبات قانونی پشتیبانی می شوند و وسیله ای را می سازند که با آن قابلیت اعتماد همکاران یا وابستگان از داخل تنظیم می شود. اهمیت اعتماد نهادی از اینروست که هیچ کسی نیست که بتواند از نظام های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند. به طور خلاصه، اعتماد به نظام های تخصصی تحت تأثیر "طرز رفتار مجریان نظام"، "اطمینان به دانش یا مهارت هایی که افراد غیر متخصص هیچ گونه دسترسی مؤثری به آن ندارند"، "تجارب ما از نقاط دسترسی"، و همچنین "دانش هایی که از طریق رسانه های ارتباطی به ما می رسند" قرار دارد. با توجه به نظریات بالا می توان گفت، دستگاههای اجرایی و کلیه سازمانهای شهری، کارکرد مرتفع کردن نیازهای جامعه شهری را بر عهده دارند. اگر آنها در انجام وظایف خود سستی یا کوتاهی کنند، طبیعی است که از حمایت و اعتماد مردم برخوردار نخواهند بود.

با توجه به مباحث نظری مطرح شده و در نظر گرفتن اندیشه های همه نظریه پردازان مذکور، می توان گفت اعتماد نهادی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. به صورت خلاصه مهمترین این عوامل را می توان شامل پایبندی به قواعد در بین افراد جامعه (تونکیس)، عدم رواج فساد و رشوه خواری اداری (زتومکا)، عدم رواج جرم و فساد (فوکویاما)، عملکرد صحیح نهادهای تخصصی و انتشار رسانه ای جرم (گیدنز) دانست. بر این اساس فرضیه های مورد بررسی این مقاله موارد زیر هستند:

- ۱- بین کیفیت عملکرد سازمانهای رسمی و اعتماد نهادی پاسخگویان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین میزان استفاده از رسانه ها و اعتماد نهادی پاسخگویان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین تصور از افزایش میزان جرم در سالهای اخیر و اعتماد نهادی پاسخگویان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی مقطعی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز استفاده شد. جامعه آماری تحقیق جوانان ۲۹-۱۵ ساله ساکن شهر یاسوج در سال ۱۳۹۱ بوده‌اند که تعداد ۳۵۰ نفر از آنان، بر اساس جدول تعیین حجم نمونه لین، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، روش طبقه‌ای تصادفی بوده است. بدین ترتیب که ابتدا ۲۰ ناحیه شهر یاسوج که توسط شهرداری یاسوج روی نقشه مشخص شده بود مبنای تصمیم‌گیری برای توزیع پرسشنامه قرار گرفت. سپس در هر منطقه، تعداد ۲۰ پرسشنامه، به تناسب جنسی، تکمیل گردید. متغیرهای مستقل تحقیق شامل عملکرد سازمانهای رسمی، استفاده از رسانه‌ها و تصور از افزایش جرم بوده‌اند. عملکرد سازمانهای رسمی را می‌توان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم ارزیابی کرد. به صورت مستقیم ضابطه مند بودن تصمیم‌گیری و عملکرد نهادهای تخصصی و مسئولان، به عنوان مجریان قانون رسمی، مهم است. زیرا انتظار می‌رود مجریان سازمان‌های رسمی بر اساس ضوابط قانونی و عدم تبعیض عمل نمایند. به صورت غیرمستقیم، عملکرد نهادهای تخصصی در برخورد جدی، عادلانه، و سریع شان با مجرمان و متخلفان و مجازات آنان بدون در نظر گرفتن مصلحت‌های خویشاوندی و مالی تجلی پیدا می‌کند. در پرتو این برخورد افراد عادی تصور می‌کنند با متخلفان به شدت برخورد می‌شود و متخلفان هم احساس می‌کنند فضای اجتماعی برای انجام جرم و قانون شکنی "ناامن" است. نقطه مقابل عملکرد مناسب و ضابطه مند سازمان‌ها، فساد اداری محسوب می‌شود. فساد، رفتاری است که از وظایف رسمی یک نقش اجتماعی به دلایل ملاحظه‌های شخصی، دستاوردهای مادی یا منزلتی، منحرف می‌شود و یا به دلیل اعمال انواع خاصی از نفوذ در جهت منافع شخصی، از قانون تخطی می‌کند. در چنین مواقعی افراد با تجربه تبعیض و بی‌عدالتی مواجه می‌شوند. تجربه تبعیض، به این معنی است که آیا افراد در طول زندگی خود در مواجهه با اموری که به نهادهای اجتماعی مربوط است، عملاً شامل بی‌انصافی، بی‌عدالتی و تبعیض واقع شده‌اند یا خیر (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

در این تحقیق متغیر مربوط به عملکرد سازمانهای رسمی از طریق گویه‌هایی با طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. عملکرد سازمان‌های رسمی در سه خرده‌مقیاس یا شاخص عملکرد مناسب دادگاه‌ها، میزان پایبندی به قوانین و رواج پارتی بازی اداری ارزیابی شد. میزان استفاده از رسانه‌ها،

نیز از طریق میزان استفاده از رسانه هایی مانند تلویزیون، ماهواره، رادیو داخلی و خارجی، اینترنت و موبایل سنجیده شد. سپس برای ارزیابی تأثیر آنها، آنها به دو دسته رسانه های داخلی و رسانه های خارجی تقسیم شدند. یکی از متغیرهایی که در نظریه ها، به ویژه نظریه گیدنز و فوکویاما، و تحقیقات پیشین به عنوان عامل کاهش دهنده اعتماد از آن یاد شده است، میزان گسترش جرم و ناامنی یا تصور پاسخگویان از میزان آن بوده است. در این تحقیق، برای سنجش این متغیر، از گویه هایی با طیف لیکرت استفاده شد که تصور پاسخگویان از وضعیت جرم در جامعه و کاهش یا افزایش آن در سالهای اخیر را ارزیابی کرده است. متغیر وابسته تحقیق نیز اعتماد نهادی بوده است. گیدنز بین چهار نوع اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی تمایز قایل می شود. از این چهار نوع اعتماد نوع اول، بیشتر روانشناختی است. از سه نوع دیگر نیز، اعتماد بین شخصی معمولاً در جوامع سنتی که الگوهای سنتی بر آن حاکم است به چشم می خورد (اعتماد سنتی). بنابراین، تنها انواع سوم و چهارم هستند که عموماً در جوامع مدرن به چشم می خوردند. حتی می توان گفت، اعتماد نوع چهارم از همه مهمتر است، زیرا ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم های اعتماد به نظام های انتزاعی به ویژه نظام های تخصصی است. همچنین هیچ کسی نیست که بتواند از نظامهای تخصصی دخیل در نهادهای مدرن دوری گزیند. او اعتماد را به عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام، با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین، تعریف می کند (عنایت و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷). اعتماد نهادی به عنوان متغیر وابسته این تحقیق، یعنی اعتماد به دستگاههای اجرایی که وظیفه تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای قوانین، همچنین وظیفه تأمین نیازهای مختلف مورد نیاز شهروندان در جامعه شهری را بر عهده دارند (مانند کارکردهای آموزشی، دینی، نظارتی، خدماتی و انتظامی). سنجش میزان اعتماد نهادی از طریق میزان اعتماد پاسخگویان به ده تا از مهمترین نهادهای موجود در جامعه صورت گرفته است (جدول ۱). بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، نهادهای ده گانه به دو دسته نهادهای سیاسی (نهادهای مجری قانون، قانون گذار، نهادهای نظامی و دینی) و نهادهای غیر سیاسی (نهادهای خدماتی، نظارتی، حمایتی و آموزشی) تقسیم شدند. اعتبار گویه های تحقیق از طریق اعتبار سازه ای و صوری بوده است. پایایی گویه ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد که بر اساس

نتایج این آزمون ضریب آلفای مربوط به همه متغیرها، به استثنای رسانه های داخلی، بالای ۰/۷۰ بوده است (جدول ۳).

یافته های پژوهش

از کل نمونه آماری ۵۷/۹ درصد زن و ۴۲/۱ درصد مرد بوده اند. ۷۷/۷ درصد از آنان مجرد و ۲۲/۳ درصد متأهل بوده اند. از نظر فعالیت شغلی، ۱۵/۲ درصد شاغل، ۱۴/۱ درصد بیکار، ۹/۵ درصد خانه دار، ۲۹/۲ درصد دانش آموز و ۳۱/۸ درصد دانشجو بوده اند. از نظر تحصیلی میزان تحصیلات ۵۱/۳ درصد از پاسخگویان دیپلم و پایین تر و ۴۸/۷ درصد فوق دیپلم و بالاتر بوده اند. از نظر سنی، ۳۲/۴ درصد بین گروه سنی ۱۵-۱۹ سال؛ ۴۰/۷ درصد بین گروه سنی ۲۰-۲۴ سال و ۲۶/۹ درصد بین ۲۵-۳۰ سال قرار داشته اند.

ترتیب نهادها بر اساس میزان اعتماد به آنها:

داده‌های جدول ۱ بیانگر ترتیب نهادهای مورد بررسی از نظر میزان اعتماد پاسخگویان به آنهاست. برای ارزیابی تفاوت میانگین رتبه نهادها از نظر اعتماد به آنها، از آزمون میانگین رتبه فریدمن استفاده شد. همانطور که نتایج جدول نشان می دهد پاسخگویان بیشترین اعتماد را به ترتیب، به نهادهای نظامی و امنیتی، نهادهای آموزشی و نهادهای مجری قانون؛ و کمترین اعتماد را به نهادهای ناظر اجرای قانون، نهادهای خدماتی و نهادهای حمایتی داشته اند. بر اساس مقدار کای اسکوتر (۲۴۲/۳۹) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می توان گفت ترتیب نهادها بر اساس اعتماد پاسخگویان به آنها تصادفی نیست. لازم به ذکر است که میزان اعتماد پاسخگویان به نهادها بر روی طیفی ۵ قسمتی از اصلا تا خیلی زیاد ارزیابی شده است. براساس میانگین نمره پاسخگویان می توان گفت در بهترین حالت اعتماد پاسخگویان به نهادهای تخصصی، متوسط رو به بالا (۲/۴۷) برای نهادهای نظامی) و در بدترین حالت کم (برای نهادهای خدماتی و نظارتی) بوده است.

جدول ۱: آزمون معناداری تفاوت میانگین رتبه میزان اعتماد به نهاد های مورد بررسی

نام نهاد	میانگین رتبه	میانگین نمره	انحراف معیار
نهادهای نظامی و امنیتی (سپاه ، نیروی انتظامی ..)	۶/۳۶	۲/۴۷	۱/۲۲
نهادهای آموزشی (مدارس و دانشگاهها)	۶/۰۴	۲/۴۱	۱/۱۰
نهادهای مجری قانون (نهاد ریاست جمهوری ..)	۵/۹۳	۲/۳۹	۱/۲۲
نهادهای مذهبی (حوزه علمیه و روحانیون)	۵/۸۸	۲/۳۳	۱/۱۸
نهادهای نظارتی (سازمان نظارت بر قیمت کالاها و خدمات)	۵/۷۰	۲/۳۲	۱/۱۵
نهادهای قانون گذار (مجلس، شورای مصلحت ..)	۵/۵۳	۲/۲۷	۱/۰۹
نهادهای ارتباط جمعی (صدا و سیما ، رسانه ها)	۵/۴۲	۲/۱۹	۱/۱۴
نهادهای حمایتی (کمیته امداد، تأمین اجتماعی)	۵/۴۶	۲/۱۷	۱/۰۵
نهادهای خدماتی (بیمارستان ها، شهرداری و بانک ها)	۵/۰۸	۲/۰۳	۱/۰۹
نهادهای نظارت بر اجرای قانون (قوه قضائیه ، شورای نگهبان)	۳/۷۰	۱/۵۷	۱/۱۵
N= 350 , Chi- square= 242.39 Sig= . / 000			

دسته بندی نهادهای تخصصی: برای دسته بندی نهادها از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. همانطور که نتایج آزمون (جدول ۲) نشان می دهد نهادهای مورد بررسی را می توان در دو دسته نهادهای سیاسی (نهادهای مجری قانون، نهادهای قانونگذار، نهادهای نظامی و نهادهای دینی) و نهادهای غیر سیاسی (نهادهای خدماتی، نهادهای نظارتی، نهادهای حمایتی، نهادهای آموزشی) جای داد. بیشترین بار عاملی بر نهادهای سیاسی بار شده است و در رأس آنها نهادهای مجری قانون قرار دارد. لازم به ذکر است که نهادهای نظارت بر قانون (قضایی) و رسانه های جمعی وارد معادله تحلیل عامل اکتشافی نشدند. زیرا قصد محقق از انجام آزمون تحلیل عامل دسته بندی نهادها برای انجام آزمونهای آماری بوده است. از آنجا که عملکرد دادگاهها و رسانه های جمعی جزو متغیرهای مستقل بوده اند ننگنجاندن آنها به دلیل اجتناب از هم خطی بودن متغیرهای مستقل و وابسته بوده است. همچنین برای ارزیابی میزان هم خطی بودن متغیرهای مستقل از آزمون هم خطی^۱ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

^۱. Collinearity Test

جدول ۲: دسته بندی نهادها بر اساس آزمون تحلیل عامل اکتشافی و بار عاملی مربوطه

ضریب آلفای کرونباخ	بار عاملی	بار عاملی	نوع نهاد	
.۸۵		.۸۳	نهادهای مجری قانون	نهادهای سیاسی
		.۷۵	نهادهای قانون گذار	
		.۶۹	نهادهای نظامی	
		.۶۸	نهادهای دینی	
.۷۴		.۸۴	نهادهای خدماتی	نهادهای غیر سیاسی
		.۷۲	نهادهای نظارتی	
		.۶۸	نهادهای حمایتی	
		.۵۲	نهادهای آموزشی	
		.۴۳		

داده‌های جدول ۳ بیانگر تعداد گویه‌ها، ضریب آلفا و شاخص‌های مرتبط با ارزیابی میزان هم خطی بودن متغیرهای مستقل تحقیق است. همانطور که آماره‌ها نشان می‌دهند، ضریب آلفای مربوط به گویه‌های همه متغیرها، به استثنای رسانه‌های داخلی، $.۷۰$ و بالاتر بوده‌اند. همچنین بر اساس شاخص‌های تولرانس (فاصله داشتن با صفر) و زیر ۲ بودن مقدار عامل تورم واریانس می‌توان گفت مقدار هم خطی بین متغیرهای مستقل پایین است و تأثیر زیادی بر انجام آزمون رگرسیون چند متغیره و نتایج آن ندارد.

جدول ۳: تعداد گویه‌ها و ضریب آلفای متغیرهای مستقل و شاخص‌های ارزیابی میزان همخطی بودن آنها

نام متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا	تولرانس	عامل تورم واریانس
عملکردمناسب دادگاهها	۷	.۷۷	.۷۴	۱/۳۴
پابند نبودن به قانون	۵	.۷۴	.۷۰	۱/۴۲
رواج پارتی بازی	۳	.۷۰	.۷۴	۱/۳۴
افزایش جرم	۴	.۷۵	.۷۸	۱/۲۷
رسانه های داخلی	۴	.۶۸	.۸۶	۱/۴۲
رسانه های خارجی	۳	.۷۰	.۸۴	۱/۱۸
اعتمادبه‌نهادهای سیاسی	۴	.۸۱		
اعتمادبه‌نهادهای غیر سیاسی	۴	.۷۴		

آزمون ضریب همبستگی پیرسون: برای ارزیابی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس نتایج آزمون (جدول ۴)، در بین همه متغیرها، متغیر عملکرد مناسب دادگاهها بالاترین همبستگی مثبت و مستقیم را با اعتماد به نهادهای سیاسی (۵۸٪) و غیر سیاسی (۳۹٪) داشته است. به نظر می رسد عملکرد دادگاهها به عنوان نهادی که همه مردم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به نوعی با آن در ارتباط هستند تأثیر به سزایی در اعتماد به نهادهای سیاسی و غیر سیاسی داشته باشد. به ویژه در شهرهایی مانند یاسوج که با داشتن پیشینه ایلی و ویژگی اجتماعی برجسته آن همبستگیهای مبتنی بر خون، خویشاوندی، و ایل و تبار است (همبستگی "جماعت" محوری یا به عبارتی سرمایه اجتماعی درون گروه)، از طرف دیگر پتانسیل و وقوع نزاع های دسته جمعی در آن بالاست^۱، عملکرد مناسب دادگاه می تواند نقش به سزایی در اعتماد نهادی داشته باشد. به تعبیر گیدنز، دادگاه می تواند، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، به عنوان "نقطه دسترسی پذیری" مردم تلقی شود که عملکرد آنان تأثیر مهمی بر تصور مردم از کارکردهای نهادی سازمانهای مدرن خواهد داشت. همچنین بر اساس نتایج آزمون، همبستگی متغیرهای احساس افزایش جرم، رواج پارتی بازی، پایبند نبودن به قوانین و رسانه های خارجی با هر دو نوع اعتماد به نهادهای سیاسی و غیر سیاسی منفی و معنی دار بوده است. بر اساس مقدار آماره های همبستگی مربوط به دو نوع اعتماد می توان گفت شدت همبستگی متغیرهای مورد بررسی با اعتماد به نهادهای سیاسی بالاتر از همبستگی آنان با اعتماد به نهادهای غیر سیاسی است. از دیگر نکات جالب توجه همبستگی خیلی ضعیف و غیر معنی دار رسانه های داخلی با هر دو نوع اعتماد، و در مقابل همبستگی منفی و معنی دار رسانه های خارجی با هر دو نوع اعتماد، به ویژه، اعتماد به نهادهای سیاسی بوده است. بنابراین می توان گفت انواع اعتماد تحت تأثیر فاکتورهای یکسانی نیستند. اما از طرفی همبستگی نسبتاً بالای اعتماد سیاسی با اعتماد غیر سیاسی (۵۹٪) نشان می دهد که عملکرد نهادهای غیر سیاسی و خدماتی که مردم به طور روزانه با آنها سر و کار دارند می توانند در میزان اعتماد آنان به نهادهای سیاسی تأثیر گذار باشد. هر چند نمی توان با قاطعیت سخن گفت، اما مقدار و جهت همبستگی ها نشان می دهد اعتماد به نهادهای سیاسی بیشتر

^۱ - برای مثال، وقوع نزاع دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد بالاتر از میانگین نزاع دسته جمعی کشوری بوده است (میرفردی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

از آنچه که تحت تأثیر تبلیغات و به قولی "سیاه‌نمایی" رسانه‌های غربی باشد، متأثر از عملکرد منفی سازمان‌ها و نهادهای داخلی بوده است. بر اساس مقادیر و جهات همبستگی متغیرهای مستقل با یکدیگر و با متغیر وابسته می‌توان دو نکته را مطرح کرد: ۱- عوامل اعتماد ساز یا اعتماد سوز به صورت شبکه‌ای از عوامل درهم تنیده کار می‌کنند که به نوعی می‌توانند همدیگر را تقویت کنند و واقعا تشریح رابطه آنها به صورت تقدم و تأخر علی و منطقی به گونه‌ای که در علوم پایه وجود دارد، مشکل و شاید غیرممکن باشد. برای مثال، دادگاهها می‌توانند با عملکرد مناسب‌شان، موجب افزایش پایبندی به قوانین و کاهش پارتی بازی شده، و هر سه با هم به نوبت، زمینه کاهش واقعی و احساسی جرم را فراهم کنند. چرخه و تعاملات پیچیده‌ای که نهایتاً به ارتقای اعتماد نهادی کمک می‌کند. ۲- همبستگی مثبت و نسبتاً بالای دو نوع اعتماد نهادی (۰/۵۳). گویای آن است که عملکرد ضعیف یا قوی یک نهاد به تنهایی می‌تواند تصور مردم از عملکرد کل نهادها یا حتی وضعیت حکمرانی را تحت تأثیر قرار دهد (بر اساس این تصور که "مُشت نمونه خروار است").

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل با انواع اعتماد نهادی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
-۰/۲۸**	-۰/۳۸**	۰/۰۸	۰/۱۰*	-۰/۳۴**	۰/۴۳**	۰/۳۷**		۱- احساس افزایش جرم
-۰/۲۳**	-۰/۴۰**	۰/۱۱**	۰/۰۵	-۰/۵۰**	۰/۵۱**			۲- رواج پارتی بازی
-۰/۳۹**	-۰/۵۶	۰/۱۸**	۰/۱۴**	-۰/۴۵**				۳- پایبند نبودن به قوانین
۰/۳۹**	۰/۵۸**	-۰/۲۳**	-۰/۱۶**					۴- عملکرد مناسب دادگاهها
۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۳۳**						۵- رسانه‌های داخلی
-۰/۱۷**	-۰/۲۱**							۶- رسانه‌های خارجی
۰/۵۹**								۷- اعتماد به نهادهای
								۸- اعتماد به نهادهای غیر سیاسی

رگرسیون چند متغیره: برای تبیین واریانس متغیر اعتماد به نهادهای سیاسی از آزمون رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج آزمون (جدول ۵) نشان می‌دهد متغیر

عملکرد مناسب دادگاهها، بیشترین تأثیر را بر میزان اعتماد به نهادهای سیاسی پاسخگویان داشته است. این متغیر به تنهایی توانسته است ۳۳ درصد از واریانس متغیر اعتماد نهادی پاسخگویان را تبیین کند. بر اساس ضریب بتای مربوطه (۰/۴۶) می توان گفت با افزایش یک واحد انحراف استاندارد عملکرد مناسب دادگاه ها (برای مثال سرعت عمل) میزان اعتماد پاسخگویان به نهادهای سیاسی به اندازه ۰/۴۶ انحراف استاندارد افزایش می یابد. به نوعی می توان گفت حداقل یکی از مهمترین ساز و کارهای رسمی و قانونی برای ناامن کردن فضای اجتماعی جرم، عملکرد دادگاهها است که می توانند با رسیدن به موقع به پروندهها، جدیت برخورد با متخلفان، عملی نمودن احکام صادر شده و ... (گویه های مربوط به بررسی عملکرد دادگاهها) زمینه ترس مجرمان، کاهش وقوع جرم، امنیت خاطر شهروندان و ارتقای اعتماد نهادی آنان را فراهم کنند^۱. دومین متغیر تأثیر گذار در معادله، احساس افزایش جرم و جنایت در سالهای اخیر بوده که توانسته است به میزان ۴ درصد ضریب تعیین را افزایش دهد. نکته جالب توجه قرار گرفتن رسانه های جمعی داخلی در رتبه سوم متغیرهای تأثیر گذار است. بر حسب ضریب بتای مربوط به رسانه ها (۰/۱۸) می توان گفت این متغیر دومین متغیر تأثیر گذار بر افزایش اعتماد نهادی محسوب می شود. بعد از رسانه ها، متغیرهای پایبند نبودن به قوانین و رسانه های خارجی متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیون هستند که هر دو تأثیر منفی بر اعتماد به نهادهای سیاسی داشته اند. در مجموع پنج متغیر با هم توانسته اند ۴۲ درصد از واریانس متغیر اعتماد پاسخگویان به نهادهای سیاسی را تبیین کنند که مقدار قابل ملاحظه ای است.

جدول ۵: آزمون رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل با اعتماد به نهادهای سیاسی به شیوه کام به کام

Sig	t	Beta	B	Adj.R ²	R	متغیرهای مستقل
.۰۰۰	۹/۶۵	.۴۶	.۵۱	.۳۳	.۵۸	عملکرد مناسب دادگاهها

^۱ - البته نمی توان فراموش کرد که دادگاه به عنوان یک خرده سیستم و قضات به عنوان افراد شاغل در این سیستم تحت تأثیر عملکرد سیستم جامعه ای بزرگتر قرار دارند و فضای اجتماعی حاکم و هنجارهای غالب آن (برای مثال پول پرستی) عملکرد آنان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارتی آنان در خلأ عمل نمی کنند.

ادامه جدول ۵: آزمون رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل با اعتماد به نهادهای سیاسی به شیوه گام به گام

Sig	t	Beta	B	Adj.R ²	R	متغیرهای مستقل
.۰۰۰	-۳/۶۱	-.۱۶	-.۲۷	.۳۷	.۶۱	احساس افزایش جرایم
.۰۰۰	۴/۰۹	.۱۸	.۲۱	.۳۹	.۶۲	رسانه های داخلی
.۰۰۴	-۲/۹۳	-.۱۴	-.۱۹	.۴۱	.۶۳	میزان پایبندی به قوانین
.۰۰۶	-۲/۷۸	-.۱۲	-.۱۵	.۴۲	.۶۵	رسانه های خارجی
a = ۱۰ / ۲۱ F = ۵۰ / ۱۶ Sig = .۰۰۰						

آماره‌های جدول ۶ بیانگر نتایج رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام برای تبیین میزان اعتماد پاسخگویان به نهادهای غیر سیاسی است. بر اساس نتایج جدول، از کل متغیرهای وارد شده به معادله، تنها دو متغیر عملکرد مناسب دادگاهها و میزان پایبندی به قوانین در معادله باقی مانده اند. این دو متغیر با هم توانسته اند ۲۱ درصد از واریانس متغیر اعتماد پاسخگویان به نهادهای غیر سیاسی را تبیین کنند. با مقایسه تعداد و میزان تأثیر متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر دو نوع اعتماد به نهادهای سیاسی و غیر سیاسی می توان گفت، تأثیر متغیرهای مستقل بر اعتماد به نهادهای سیاسی به مراتب تعیین کننده تر از تأثیر آنها بر اعتماد به نهادهای غیر سیاسی بوده است. به ویژه نکته جالب این است که رسانه ها در معادله اعتماد به نهادهای غیر سیاسی به عنوان متغیرهای معنی دار باقی نمانده اند. شاید این بدین علت است که تصور مردم از عملکرد نهادهای سیاسی، بیشتر با واسطه و از طریق رسانه های جمعی، به ویژه رسانه های خارجی، باشد، اما تصور آنان از نهادهای غیر سیاسی به صورت مستقیم و بلافصل تر باشد. به ویژه نهادها و سازمانهایی مانند بانک، کمیته امداد، داروخانه ها که مردم به طور پیوسته و روزانه با آنها سرو کار دارند و سازمانهایی که عملکرد شان، در مقایسه با نهادهای سیاسی، بیشتر می توانند بر اساس معیارهای خویشاوندی و غیر قانونی عمل کنند.

جدول ۶: آزمون رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل با اعتماد به نهادهای غیر سیاسی به شیوه گام به گام

متغیرهای مستقل	R	Adj.R ²	B	Beta	t	Sig
عملکرد مناسب دادگاهها	.۳۹	.۱۵	.۱۸	.۲۷	۵/۰۵	.۰۰۰
میزان پایبندی به قوانین	.۴۵	.۲۱	-.۲۱	-.۲۷	-۴/۹۹	.۰۰۰
a = ۸ / ۰۵ F = ۴۶ / ۲۷ Sig = .۰۰۰						

بحث و نتیجه گیری

در راستای تغییر و تحولات جامعه، جامعه شناسی به عنوان علم مطالعه جامعه، تغییر و تحولاتی را پذیرا می شود. از مهمترین این تغییرات اخیر، حرکت و توجه از متغیرهای تأثیر گذار "سخت"، مانند طبقه، ساختار ... به سمت متغیرهای جدید و مهم "نرم" مانند فرهنگ، باور و سرمایه اجتماعی بوده است. سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیمی است که به گسترده ترین و متنوع ترین وجه مورد استفاده و تحقیق قرار گرفته است. علیرغم همه این تنوعات، در مورد نقش بی بدیل آن در افزایش ثبات، کارایی و انسجام جامعه و امنیت افراد و گروهها ... جای هیچ گونه بحث و اختلاف نظری بین اندیشمندان وجود ندارد^۱. اندیشمندان سرمایه اجتماعی را به گونه های متفاوتی تعریف می کنند و بر اساس تعریف متفاوت شان، شاخص های متفاوتی را برای سنجش آن مورد استفاده قرار می دهند. اگر بخواهیم شاخص های ایجابی و سلبی سرمایه اجتماعی را در نظر بیاوریم، شاید، مهمترین آنها، به ترتیب، افزایش جرایم اجتماعی و اعتماد اجتماعی باشند. اعتماد اجتماعی دارای سطوح و ابعاد متفاوتی است. ابعادی مانند عینی و ذهنی، احساسی و شناختی؛ و سطوحی که از اعتماد بین خانوادگی تا اعتماد نهادی و حتی اعتماد جهانی (شعاع های اعتماد) را شامل می شود. در ضمن هر یک از ابعاد اعتماد می توانند به عنوان متغیر مستقل یا وابسته مفروض

^۱ - البته شاید تنها جایی که سرمایه اجتماعی در دسر آفرین تلقی می شود جایی است که بعضی از سرمایه های اجتماعی خاص گرایانه موجب تعصب، خودبینی و تبعیض علیه سایر گروهها و افراد می شوند و مانع پیوند و ارتباط و وحدت جامعه ای می شوند. پس نباید به صورت مطلق به آن نگریست. زیرا قوم و خویش گرایی خود نوعی سرمایه اجتماعی خاص گرایانه است.

و مورد بررسی و تحلیل واقع شوند. در فرض گرفتن اعتماد به عنوان متغیر وابسته، زمینه‌ها و بنیان‌های اعتماد ساز یا اعتماد سوز مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند؛ که البته در نظر گرفتن اینکه کدام زمینه‌ها و بنیان‌ها مهم‌ترند، خود، تحت تأثیر نوع اعتماد مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای مثال، بنیان‌های شکل‌گیری اعتماد بنیادین، در دوران اولیه کودکی جستجو می‌شود. نکته دیگر اینکه همه انواع اعتماد به یکسان مورد بررسی و تحلیل تجربی قرار نگرفته‌اند. برای مثال در جامعه ما اعتماد نهادی کمتر از اعتماد تعمیم یافته مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

در این مقاله وضعیت اعتماد نهادی جوانان ساکن شهر یاسوج مورد بررسی قرار گرفته است. اعتماد نهادی‌ای که فرض می‌شد میزان آن تحت تأثیر کیفیت عملکرد سازمان‌ها و نهادهای تخصصی و رسانه‌ها قرار داشته باشد. بررسی عملکرد اعتماد نهادی از این رو مهم است که زندگی مردم امروزی، به ویژه در مناطق شهری، در ابعاد مختلف، به عملکرد این نهادهای تخصصی وابسته است. بعلاوه، مردم توانایی اطلاعاتی و مهارت‌های لازم برای ارزیابی کارکرد این نهادهای متنوع و متکثر را ندارند، و این نهادهای مختلف نیز نمی‌توانند بدون اعتماد مردم به آنها، مردم را به پذیرش و جدی گرفتن دستورات و رهنمودهای شان اقناع کنند. بنابراین می‌توان گفت، اعتماد، آن "چسب اجتماعی"^۱ ای است که پیوند و رابطه مردم و مسولین را از هر دو سو تحکیم و تقویت می‌کند. عملکرد چنین نهادهایی در شهر یاسوج که دارای ویژگی‌هایی خاصی است (تأسیسی بودن، بافت جماعتی داشتن، زمینه ایلی و عشایری داشتن و نوپا بودن) دارای اهمیت ویژه ای است.

یافته‌های تحقیق به صورت خلاصه موارد زیر بوده‌اند:

۱. پاسخگویان بیشترین اعتماد را، به ترتیب، به نهادهای نظامی و امنیتی، نهادهای آموزشی و نهادهای مجری قانون؛ و کمترین اعتماد را، به ترتیب، به نهادهای نظارت بر اجرای قانون (قضایی)، نهادهای خدماتی و نهادهای حمایتی داشته‌اند.
۲. بر اساس آزمون همبستگی دو متغیره، عملکرد مناسب دادگاه‌ها بالاترین همبستگی مثبت و مستقیم را با هر دو نوع اعتماد به نهادهای سیاسی و غیر سیاسی داشته است. همچنین همبستگی متغیرهای میزان پایبندی به قوانین، احساس افزایش جرایم، رواج

^۱. Social Glue

پارتی بازی و رسانه های جمعی خارجی با میزان اعتماد پاسخگویان به نهادهای سیاسی و غیر سیاسی منفی و معنی دار بوده است.

۳. بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، متغیرهای عملکرد مناسب دادگاه ها، احساس افزایش جرایم اجتماعی، رسانه های داخلی، میزان پایبندی به قوانین و رسانه های جمعی خارجی با هم توانسته اند ۴۲ درصد از واریانس اعتماد به نهادهای سیاسی را تبیین کنند. اما در مدل رگرسیون چندمتغیره اعتماد به نهادهای غیر سیاسی، تنها دو متغیر عملکرد مناسب دادگاهها و میزان پایبندی به قوانین به عنوان متغیرهای معنی دار باقی ماندند که با هم توانستند ۲۱ درصد از واریانس این نوع اعتماد را تبیین کنند.

بر اساس یافته های تحقیق ذکر چند نکته الزامی می نماید:

۱. نتایج تحقیق مؤید یافته های تحقیقات رفیع پور (۱۳۷۶؛ ۱۳۷۸) در مورد رواج پارتی بازی و ضعف میزان پایبندی به قوانین در جامعه و رابطه آنها با بی اعتمادی است. همچنین یافته های تحقیقات دیگر در مورد رابطه امنیت، تبعیض و فساد (در این جا رواج پارتی بازی) و بی عدالتی (عملکرد دادگاه ها) و عملکرد رسانه ها (رجبلو، ۱۳۸۵؛ سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸؛ منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸) با بی اعتمادی نهادی است. همچنین مؤید یافته های فتحی و دیگران در مورد بالاترین اعتماد به نیروی انتظامی و آموزش و پرورش و کمترین اعتماد به قوه قضاییه و شهرداری است.

۲. بر اساس داده ها می توان گفت، با توجه به بافت عشیره ای و قومی جماعت محور حاکم بر شهر یاسوج و، وقوع و پتانسیل بالای وقوع نزاع دسته جمعی در این شهر، دادگاهها می توانند به عنوان آخرین و شاید مهم ترین حلقه ای تلقی شوند که زمینه احقاق حق افراد را فراهم کنند و تأثیری چشمگیر بر اعتماد مردم به نهادهای تخصصی داشته باشند. در غیر اینصورت، اعتماد به کارایی این نهادها برای احقاق حق از بین می رود و مردم از طریق مکانیسم های جایگزینی (که آماده ترین و آسان ترین شان گروه هم خویشاوندان و هم ایلی ها می باشد) در صدد احقاق حقوق شان بر می آیند که این عمل به نوبه خود موجب تشدید نزاع های دسته جمعی زنجیره ای، ناامنی و قوم و قبیله گرایی می شود.

۳. در اکثر گفته‌ها، رسانه‌ها و مجالس رسمی سخن از تبلیغات منفی رسانه‌ای غرب به عنوان اولین و مهمترین عامل ناامیدی مردم از وضعیت خود و "سیاه‌نمایی" وضعیت جامعه نام برده می‌شود. در صورتیکه یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد تأثیر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای تخصصی بر بی‌اعتمادی، به مراتب تعیین‌کننده‌تر از تأثیر رسانه‌های خارجی بوده است. البته این تأثیر نسبی است و نباید از اهمیت رسانه‌ها در ایجاد بی‌اعتمادی غافل شد.

منابع

۱. اتابکی ، تورج. (۱۳۸۷). تجدد آمرانه (جامعه و دولت در عصر رضاشاه (چاپ دوم)). ترجمه مهدی حقیقت خواه. تهران: ققنوس.
۲. امیر احمدیان، بهرام. (۱۳۷۸). " در جه توسعه یافتگی استانها و همسازی ملی در ایران. "، فصلنامه مطالعات ملی، ۱(۹-۴): ۹۹-۱۲۷.
۳. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۹). اندیشه نوسازی در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۴. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۵). علم و مدرنیته ایرانی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۵. آشوری، داریوش. (۱۳۷۷). ما و مدرنیته (چاپ دوم). تهران: صراط.
۶. آل احمد، جلال. (۱۳۸۵). غرب زدگی. قم: خرم.
۷. آیزنشتات، س. ن. (۱۳۷۷). شکستهای نوسازی، ارغنون، ۱۳: ۲۰۸-۱۹۱.
۸. پیمان، حبیب الله. (۱۳۸۴). ایران؛ نالمنی و بی ثباتی پایدار. تهران: قلم.
۹. تونکیس، فران. (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۱. رجبلو، موسی. (۱۳۸۵). بررسی میزان اعتماد اجتماعی برحسب پایگاه اجتماعی، اقتصادی در میان دانشجویان دانشگاه آزا داسلامی واحد شمال شهر تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شمال تهران، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی).
۱۲. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: سروش.
۱۴. زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد (نظریه جامعه شناختی)، ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: شیرازه.
۱۵. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲). بررسی وضع انحرافات جنسی جوانان / پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، تهران: اهل قلم.

۱۶. سردارنیا، خلیل‌اله؛ قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا. (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی، مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵ (۱): ۱۶۵-۱۳۵.
۱۷. سعادت، رحمان. (۱۳۸۶). تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶ (۲۳): ۱۹۳-۱۷۳.
۱۸. سلیگمن، آدام. (۱۳۸۷). اعتماد و جامعه مدنی. در: کتاب اعتماد و سرمایه اجتماعی (ص. ص. ۱-۳۰)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۹. شارع پور، محمود. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۳ (۱۱۲-۱۰۱).
۲۰. عباس زاده، محمد؛ عزیززاده اقدم، محمد باقر و اسلامی، رضا. (۱۳۹۰). اعتماد به دستگاه‌های اجرایی و عوامل مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲ (۴۱): ۱۰۶-۸۳.
۲۱. عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید و حیدری، اله رحم. (۱۳۹۱). مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهرهای شیراز و یاسوج، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۴۵): ۱۰۴-۸۱.
۲۲. فتحی، سروش؛ آرام، هاشم و بشیری گیوی، حسین. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر اعتماد نهادی (سازمانهای دولتی و غیر دولتی)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۴ (۳): ۹۷-۱۱۶.
۲۳. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۰). تعارض سنت و مدرنیته در عرصه توسعه اجتماعی در ایران. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران (ویژه نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، ۳: ۸۱-۶۳.
۲۴. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن (چاپ دوم). ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۲۵. کتابی، محمود؛ ادیبی، مهدی؛ قاسمی، وحید و صادقی ده چشمه، ستار. (۱۳۸۹). سنجش سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهار محال و بختیاری، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱ (۴۰): ۱۲۲-۹۷.

۲۶. گرجی زاده، اسدالله. (۱۳۸۶). کمترین میزان زندانیان زن را در کشور داریم. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*، ۲۲/۹/۱۳۸۶.
۲۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیت (چاپ دوم)*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
۲۸. محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران. تهران: زهد.
۲۹. منصوریان، محمدکریم و قدرتی، حسین. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی و تعیین کننده های آن: رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه محور (مطالعه موردی شهر سبزوار). *جامعه شناسی کاربردی*، ۳۴ (۲): ۲۱۵-۱۸۹.
۳۰. میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق نیا، آسیه. (۱۳۹۰). میزان گرایش به نزاع جمعی در مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۵: ۱۷۸-۱۴۷.
۳۱. میلانی، عباس. (۱۳۸۳). تجدد و تجدد ستیزی در ایران (چاپ پنجم). تهران: اختران.
۳۲. نراقی، حسن. (۱۳۸۶). جامعه شناسی خودمانی (چاپ هفدهم). تهران: اختران.
۳۳. وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). *ارزش ها و نگرش های ایرانیان، یافته های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور*. تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. هزار جریبی، جعفر و حامد، محبوبه. (۱۳۹۱). رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۲: ۵۸-۳۰.
35. Bateson, Mary C. (1998). Trust and security: Hole earth, *Academic Rresearch Library*, Fall, 94: 14- 15.
36. Celau, A.S. & Salomon, S. (2008). In justice we trust: a model of the role of trust in the organisation in applicant reactions to the selection process, *Journal of Human Resource Managemebt Review*, 63- 76.
37. Luhmann, Nikolas. (1979). *Trust and Power*. New York: John Wiley.
38. Mollering, Guido. (2011). *Rational, institutional and active trust: Trust do it*, [http:// scs. Sagepub.com/chi/content/ref/ 55/1/9](http://scs.sagepub.com/chi/content/ref/55/1/9).
39. Seligman, A. (1992). *The idea of civil society*. New York: Free Press.